

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال دوم

- ۷ نقش عرف‌های تجاری در تجارت بین‌الملل؛ تأثیر متقابل کنوانسیون بیع بین‌الملل و قواعد اینکوترمز ۷
دکتر محمود باقری - سروش رستم‌زاد اصلی - ناصر عزیزی
- ۳۳ شیوه‌های مقررات‌گذاری تبلیغات تجاری خطاب به کودکان در تلویزیون
دکتر باقر انصاری - منیژه هاشمیان
- ۵۵ تأملی بر انحلال سازمان‌های بین‌المللی
دکتر منصور جباری - مسعود احسن‌نژاد
- ۸۱ برخی مقررات اتحادیه اروپا در راستای تقریب ملل و نیل به فدرالیسم اروپایی
دکتر سید حسین طباطبایی
- ۹۹ جرم‌شناسی مدرن و روابط متقابل میان جرایم
دکتر علیرضا میلانی - محمد حاجی قاسمی اردبیلی
- ۱۱۵ حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی
آرمین طلعت - محمد آهنگر اصیل
- ۱۴۷ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در محاق سیاست ملی دولت‌ها: مطالعه موردی کره شمالی
دکتر آرامش شهبازی - صمصام عوض‌پور
- ۱۷۵ مقایسه محدودیت‌های صدور اسناد رسمی با اسناد الکترونیکی مطمئن
دکتر عباس کریمی - امیر سپاهی
- ۱۹۷ شرط گام ابتکاری در نظام اختراعات ایران
حامد نجفی - مهسا مدنی
- ۲۱۷ بحران میانمار در آیین حقوق بشر
مرضیه قلندری
- ۲۵۳ بررسی بزه‌های ناتمام در حقوق کیفری ایران
علیرضا رحمانی نعیم‌آبادی





شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در محاق سیاست ملی دولت‌ها: مطالعه موردی کره شمالی

دکتر آرامش شهبازی* - صمصام عوض پور**

چکیده:

حقوق بین‌الملل معاصر همچنان در نوسان میان نقش غالب و مؤثر حاکمیت و چالش‌هایی است که از رهگذر حقوق بین‌الملل مدرن در قالب لزوم رعایت هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر بر این حوزه تحمیل می‌شود. همزمان که انسانی‌تر شدن حقوق بین‌الملل، محدودیت‌های بیشتری را بر حاکمیت مطلق دولت‌ها در صحنه بین‌المللی تحمیل می‌کند، ساز و کارهای نسبتاً ضعیفی که به عنوان ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشر در نظر گرفته شده، مانع از این است که بتوان حقوق بین‌الملل مدرن را از حیث اجرای این قواعد منحصر به فرد تلقی نمود. با این حال، تحولاتی اخیر، مبین توجه روزافزون به مفهوم حقوق بین‌الملل بشر به ویژه از حیث ساز و کارهای اجرایی و تشویقی در رعایت تعهدات در این حوزه است. در زمینه اجرای تعهدات ذی‌ربط، متعاقب جایگزینی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با کمیسیون حقوق بشر، انتظارات جامعه بین‌المللی از تحکیم و تقویت ساز و کارهای حمایتی در مقابل نقض‌های فاحش حقوق بشر نیز افزایش یافت. یکی از مهم‌ترین آزمون‌های پیش‌روی شورا نیز وضعیت حقوق بشری جمهوری دموکراتیک خلق کره - معروف به کره شمالی - است. فراز و فرودهای پرونده هسته‌ای کره شمالی و مباحث متعدد مطرح در زمینه نقض فاحش حقوق بشر، همواره وضعیت این کشور در صحنه بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار داده است و پرسش‌های جدی در زمینه تقابل میان حاکمیت و مقوله حقوق بین‌الملل بشر را به رخ کشانده است. در این

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی) - ترویجی، شماره ۳۰، نیمسال دوم ۱۳۹۵
صفحه ۱۴۷-۱۳۳، تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۴

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

Email: arameshshahbazi@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسؤل

Email: samsamavazpoor@gmail.com

مقاله ضمن بررسی تعهدات حقوق بشری دولت کره در صحنه بین‌المللی، و با تمرکز بر آخرین قطعنامه شورای حقوق بشر در خصوص وضعیت حقوق بشری این دولت، به جایگاه تصمیمات شورای حقوق بین‌الملل در حصار ملاحظات سیاسی دولت کره شمالی پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها:

کره شمالی، نقض فاحش حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، شورای امنیت سازمان ملل متحد

مقدمه

سازمان ملل متحد که به دنبال ضعف جامعه ملل در پیشگیری از وقوع جنگ جهانی دوم پا به عرصه وجود گذاشت، در همان بدو امر با ادعای منشوری برای مردم ملل متحد^۱، داعیه حمایت از همه انسان‌ها، فارغ از هرگونه وابستگی نژادی، مذهبی، جنسی و ... را مطرح نمود؛ و به همین دلیل نیز برای اثبات مدعای خویش، در جای جای منشور ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد به مقوله حقوق بشر و حمایت، به نحو مستقیم یا غیرمستقیم از این مهم اشارات بسیاری دارد؛ آنجا که در همان ماده ۱(۳) یکی از مقاصد ملل متحد را «...حصول همکاری بین‌المللی در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس یا مذهب...» اعلام می‌کند، آغازی برارزنده در اعلام رسالت و بیان فلسفه وجودی خود دارد و در ادامه در بند سوم ماده ۵۵ «احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب...» را مورد تأکید قرار می‌دهد تا بر همگان آشکار شود که این سازمان به دنبال احیای اصولی انسانی می‌باشد که به دنبال دو جنگ خونین جهانی مورد بی‌توجهی، و بدتر از آن، مورد تجاوز شدید و فاحشی قرار گرفته بودند. بدین‌سان، چنین دغدغه‌ای زمینه‌ساز آن شد تا سازمان ملل متحد در همان ابتدای فعالیت خود تصمیم به تشکیل و تأسیس نهادی در جهت حمایت از «حقوق بشر» در مقابل بی‌عدالتی‌ها و خودکامگی‌های دیگران بگیرد و در این راستا «کمسیون حقوق بشر که یکی از ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی^۲ سازمان ملل متحد راجع به

۱. مقدمه منشور ملل متحد با عبارت «ما، مردم ملل متحد...» آغاز می‌شود.

2. The Economic and Social Council (ECOSOC).

حقوق بشر بوده است، توسط این شورا و در راستای اجرای مفاد ماده ۶۸ منشور ملل متحد^۳ تأسیس شد.^۴»

با این حال، نگاهی به کارنامه سازمان ملل متحد، گویای این واقعیت است که این سازمان، در حمایت از حقوق بشر دوران پر فراز و نشیبی را سپری کرده است؛ و از رهگذر تحولاتی که پشت سر گذارده، همانند سایر نهادهای بین‌المللی دیگر، دچار تحولات عدیده‌ای شده است. «از جمله مهم‌ترین تحولات ساختاری سازمان ملل در آغاز هزاره سوم میلادی، با محوریت توجه به اعتلای مفهوم حقوق بشر، جایگزینی شورای حقوق بشر سازمان ملل^۵ با کمیسیون حقوق بشر است.^۶»

جایگاه، فلسفه وجودی و کار ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، همواره محل اختلاف میان کشورهای شمال و جنوب بوده است.^۷ همزمان که کشورهای غربی کمیسیون حقوق بشر را به سیاست‌زدگی و اعمال سلیقه‌های شخصی در هدایت و اداره امور متهم می‌کردند^۸، کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا در حال توسعه با ادعای انحصاری بودن اقدامات کمیسیون به نفع مصالح قدرت‌های بزرگ، این نهاد، را مرجعی غیرمنصفانه و ناعادلانه معرفی می‌کردند.^۹

۳. ماده ۶۸ منشور ملل متحد (۱۹۴۵):

«شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون‌هایی (را) برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر، همچنین هرگونه کمیسیون‌های دیگری را که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تأسیس می‌کند»

۴. دکتر سید باقر میرعباسی، رزی میرعباسی، نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸)، ج ۱، ۹-۸.

۵. شورای حقوق بشر با قطعنامه ۱۵ مارس ۲۰۰۶، با مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با رأی مثبت در برابر چهار رأی منفی و سه رأی ممتنع، جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل شد.

۶. دکتر سید باقر میرعباسی، رزی میرعباسی، نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰)، ج ۲، ۸۱.

7. Scott R. Lyons, "The New United Nations Human Rights Council", Insights, Issue: 7, Volume: 10, March 27, 2006, https://www.asil.org/insights/volume/10/issue/7/new-united-nations-human-rights-council#_ednref1 (last visited: 10/12/2016).

8. "The Road to Rights: Establishing a Domestic Human Rights Institution in the United States", A Post-Conference Report from the Global Convening on National Human Rights Commissions, Report from the Global Exchange on National Human Rights Commissions at the Rockefeller Foundation Center, Bellagio, Italy: August 2-6, 2010, Columbia Law School: Human Rights Institute, Accessed December 10, 2016, http://www.law.columbia.edu/ipimages/Human_Rights_Institute/The%20Road%20to%20Rights%20Final.pdf

9. Ibid.

به دنبال بروز این مشاجرات و اختلاف نظرهای عمیق بود که دبیرکل وقت سازمان ملل (کوفی عنان) در شصت و یکمین نشست سالانه کمیسیون حقوق بشر اعلام کرد که «اعتبار رو به تنزل کمیسیون، اعتبار سازمان را نیز به مرور خدشه‌دار خواهد کرد» و از این حیث پیشنهاد اعمال تغییراتی ساختاری و بنیادین در این کمیسیون را مطرح نمود که این پیشنهاد، نهایتاً با استقبال اعضای ملل متحد همراه شد و در نهایت، با تصویب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۵، «شورای حقوق بشر» رسماً جایگزین کمیسیون حقوق بشر شد. با این حال، چالش‌های روبروی این نهاد هنوز هم در محافل سیاسی و حقوقی بحث‌برانگیز است. آیا ساختار جدید توانسته است نقاط ضعف ساختار قبلی را پوشش دهد و ساز و کار قابل توجهی در حمایت از موارد نقض فاحش حقوق بشر معرفی نماید؟ بی‌تردید پاسخ به این پرسش نیازمند بررسی کارنامه و عملکرد کلی این نهاد است، که در این مجال نمی‌گنجد. با این حال، در این نوشتار با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک، رویه و عملکرد دولت کره شمالی، که به زعم بسیاری، همواره به عنوان یکی از دولت‌های ناقض حقوق بشر در صحنه بین‌المللی شناخته می‌شود، و با تمرکز به قطعنامه‌ای که اخیراً از سوی شورا در این خصوص صادر شده، به اختصار به ارزیابی نتیجه عملکرد شورای حقوق بشر در حصار سیاست ملی و ملاحظات سیاسی دولت کره شمالی خواهیم پرداخت.

۱- موقعیت ژئوپلیتیک و وضعیت حقوقی کره شمالی

کره شمالی با نام رسمی «جمهوری دموکراتیک خلق کره»، کشوری است در بخش شمالی شبه‌جزیره کره در شرق آسیا؛ پایتخت و بزرگ‌ترین شهر این کشور، «پیونگ یانگ» می‌باشد. این کشور از جنوب با کره جنوبی^{۱۰}، از شمال با جمهوری خلق چین، و در زاویه شمال شرقی مرز کوچکی با روسیه دارد. جمعیت کره شمالی ۲۴ میلیون نفر، زبان رسمی آن «کره‌ای» و واحد پول این کشور «وون کره شمالی» می‌باشد. از جمعیت این کشور بنا بر آمار، حدود ۶۴ درصد بی‌دین، ۱۶ درصد پیرو «شمن باوری کره‌ای»، ۱۳ درصد «چئوندوی باور» و ۷ درصد بودایی هستند.

از لحاظ سیاسی، این کشور کشوری تک‌حزبی است که توسط حزب «کارگران کره» اداره می‌گردد و «دولت این کشور پیرو ایدئولوژی «جوچه (خودکفایی)» است^{۱۱}». این ایدئولوژی را

10. South Korea.

11. Felice D. Gaer, and Christen L. Broecker, *The United Nations High Commissioner for Human Rights, Conscience for the World* (UK: Nottingham: Brill |Nijhoff, 2014), 293-310.

«کیم ایل سونگ»، نخستین رئیس‌جمهور کره شمالی (که بعد از مرگش به عنوان رئیس‌جمهور ابدی کره شمالی اعلام شد) پایه‌ریزی کرد. در سال ۱۹۷۲ چوچه در قانون اساسی جدید کره شمالی به عنوان ایدئولوژی رسمی دولت معرفی شد و هرگونه اشاره‌ای به «مارکسیسم»، «لنینیسم» و «کمونیسم» از قانون اساسی کره شمالی حذف شد.

روابط بین‌المللی کره شمالی، به ویژه با کشورهای توسعه‌یافته‌تر، عمدتاً همراه با درگیری و تنش بوده است^{۱۲}؛ این امر به خصوص در موارد نقض حقوق بشر، مجادلات قابل توجهی را در صحنه بین‌المللی به همراه داشته است.

شبه‌جزیره کره در اواخر سده نوزدهم تا اوایل سده بیستم توسط امپراطوری کره اداره می‌شد. از سال ۱۹۰۵ به بعد، شبه‌جزیره به تصرف ژاپن در آمد و پنج سال بعد به طور رسمی بخشی از خاک کشور (امپراطوری) ژاپن شد. با شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، قسمت شمالی به تصرف شوروی و قسمت جنوبی آن به تصرف ایالات متحده درآمد. بدین ترتیب کره شمالی صاحب حکومتی طرفدار بلوک شرق و کره جنوبی نیز صاحب حکومتی طرفدار غرب شد در حالی که هر دو مدعی حکومت بر کل شبه‌جزیره بودند؛ این اختلاف در سال ۱۹۵۰ به اوج خود رسید و منشأ جنگ‌های خونینی شد که امروزه از آن تحت عنوان «جنگ کره» یاد می‌شود.

کیم ایل سونگ با عقاید منحصر به فرد و البته افراطی خود، در طول دوران حکومت نسبتاً طولانی خود (از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴) کره شمالی را در عرصه دیپلماتیک بین‌المللی به کشوری منزوی تبدیل کرد که این انزوا پس از فروپاشی شوروی - در سال ۱۹۹۱ - تشدید شد^{۱۳}. همچنین در روند ایجاد یک دولت سوسیالیست، کره شمالی لنیسم - مارکسیسم سنتی را با دیکتاتوری کیم ایل سونگ ترکیب کرد و بدین ترتیب هم ویژگی این دولت به عنوان یک دولت توتالیتر و هم ساختار خاص حاکم بر آن را تقویت نمود^{۱۴}. البته پس از آنکه

۱۲. به خصوص در چند ماه اخیر با تهدید به حمله نظامی علیه ایالات متحده به موج جدیدی از روابط تیره واشنگتن و پیونگ یانگ دامن زده‌اند به گونه‌ای که انتظار یک جنگ هسته‌ای به دور از انتظار و غیرممکن نبود؛ هرچند فارغ از این مسائل نیز، کره شمالی به خاطر برنامه‌های موشکی و هسته‌ای خود مناقشات بسیاری را در محافل سیاسی و حقوقی در سطح جهان موجب شده‌اند. در این باره رک:

Morse H. Tan, "North Korean Nuclear Crisis: Past Failures, Present Solutions," *St. Louis University Law Journal* 50 (2006): 517.

13. Houghton Mifflin Harcourt, *The American Heritage-dictionary Of The English Language* (USA: FL: Orlando: Houghton Mifflin Company, Fifth Edition, 2016), <https://ahdictionary.com/word/search.html?q=north+korea>

14. Lee Keum-Soon, Kim Soo-Am, Lim Soon-Hee, Choi Jin-Wook "White Paper on Human Rights in North Korea" (South Korea: Seoul: Korea Institute for National Unification, 2008), 28.

کشورهای سوسیالیست بلوک شرق دست به اصلاحاتی در نظام اقتصادی خود زدند، کره شمالی با رکود شدیدی مواجه شد. لذا ساختار حاکم که بر مبنای تحرک سیاسی مفرط و نیروی فیزیکی اجباری بنا شده بود، در نهایت رو به تضعیف نمود^{۱۵}. پس از مرگ کیم ایل سونگ، پسرش «کیم جونگ ایل» رهبری کشورش را عهده‌دار شد و از سال ۲۰۱۲ و در پی مرگ کیم جونگ ایل، پسر جوان وی «کیم جونگ اون» سکاندار رهبری کشور کره شمالی شده است.

قوه مقننه کره شمالی از یک مجلس قانونگذاری به نام «مجلس عالی خلق» با ۶۸۷ عضو (برای ۵ سال) تشکیل شده است که اعضای آن در یک انتخابات عمومی تعیین می‌شوند. انتخابات به این نحو برگزار می‌گردد که حزب کارگران کره (حزب حاکم) فهرستی از کاندیداها را ارائه می‌دهد و بدون هیچ رقیبی انتخاب می‌شوند. تعداد معینی از کرسی‌ها نیز برای احزاب کوچک‌تر در نظر گرفته می‌شوند. این مجلس علاوه بر وضع قانون، نخست‌وزیر و قضات دادگاه عالی کشور را نیز انتخاب می‌کنند^{۱۶}.

۲- شورای حقوق بشر و رسیدگی به وضعیت حقوق بشری کره شمالی

از آنجایی که این بخش مبحث اصلی مقاله پیش‌رو را به خود اختصاص داده است، و با توجه به این امر که این مبحث ارتباط مستقیمی با ساختار و کارکرد شورای حقوق بشر دارد، قبل از تشریح وضعیت حقوق بشر کره شمالی - در پرتو قطعنامه اخیر شورای حقوق بشر -، ساختار و کارکرد شورای حقوق بشر را - که از این به بعد برای سهولت بیشتر به اختصار «شورا» می‌نامیم - مورد بررسی قرار می‌دهیم و پس از آن به تشریح وضعیت مذکور خواهیم پرداخت.

۲-۱- وظایف و اختیارات شورای حقوق بشر

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ رسماً تأسیس شورای جدیدالتأسیس حقوق بشر را به جامعه جهانی اعلام و از شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد خواست تا عملی کردن این موضوع (جایگزینی شورای حقوق بشر با کمیسیون حقوق بشر) را در دستور کار قرار دهد. در این قطعنامه که اصطلاحاً «سند تأسیس» شورای حقوق بشر نامیده می‌شود، وظایف، تکالیف و نیز اختیاراتی به شورا اعطاء شده است تا از رهگذر این

15. Ibid, 29.

16. Central Intelligence Agency, *The World Fact Book 2005* (US: Directorate of Intelligence, 2009), 117.

وظایف و اختیارات، این مرجع، رسالت خود را به نحو احسن ایفاء کند. از جمله مأموریت‌هایی که در قطعنامه مذکور برای شورای حقوق بشر ذکر شده است، می‌توان به لزوم «قاعده‌مندسازی زمینه‌های حقوق بشری»^{۱۷} اشاره کرد که در حقیقت، این رسالت به واقع رسالت اولیه و بنیادین شورا شناخته می‌شود^{۱۸}؛ رسالتی که در سند تأسیس نهاد خلف شورا - یعنی کمیسیون حقوق بشر - نیز به عنوان رسالت اصلی کمیسیون معرفی شده بود^{۱۹}.

۲-۲- ساز و کار شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

علاوه بر آن «آیین ویژه گزارشگری» که در واقع میراث کمیسیون حقوق بشر می‌باشد، از جمله نقاط قوت کمیسیون بوده و لذا مجمع عمومی سازمان ملل نیز، با عنایت خاصی که به این نهاد مبذول داشته، این آیین را برای شورا نیز به قوت خود باقی گذاشته است. دو ساز و کار خاص این آیین عبارتند از نخست) ارائه گزارش از سوی گزارشگران موضوعی، که حسب مورد و با توجه با مأموریت تفویض شده از سوی نهاد آمر، رعایت موضوع حقوق بشری معینی را در کشورهای عضو مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهند و گزارش خود را به مجمع نهاد تابع ارائه می‌دهند؛ و دوم) گزارشگران کشوری، که حسب مورد و با توجه به حدود مأموریت تفویض شده، رعایت جنبه‌هایی از حقوق بشر را در کشورهای معینی مورد بررسی قرار داده و نتایج بررسی خود را به این نهاد گزارش می‌دهند^{۲۰}.

با این حال شورا کلیه مأموریت‌ها و نهادها و نقش‌های موجود در صحن کمیسیون حقوق بشر را ضمن بررسی مجدد، اصلاح و تعمیق بخشیدن بدان‌ها، حفظ و ادامه خواهد داد؛ یعنی تمام آیین‌های ویژه، دادخواست‌های فردی یا گروهی، گروه‌های کارشناسی و سایر زیرمجموعه‌های کمیسیون به شورا منتقل گشته است^{۲۱}.

همچنین «آیین ارزیابی دوره‌ای جهانی»^{۲۲} مهم‌ترین و عمده‌ترین تغییر ساختاری که توسط قطعنامه ۶۰/۲۵۱ در ساختار و به تبع آن در ماهیت فعالیت شورا (نسبت به کمیسیون) به عمل آمده، ایجاد تأسیس نظارتی جدیدی به نام آیین ارزیابی دوره‌ای جهانی می‌باشد^{۲۳}.

17. Regulation of Various Aspects of Human Rights.

18. Para5(e)-GA Res.60/251.

19. Para6-GA Res, 60/251.

۲۰. مصطفی تقی‌زاده انصاری، «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، حقوق خصوصی ۱۳ (۱۳۸۷)، ۱۴۰-۱۳۰.

۲۱. دکتر سید باقر میرعباسی، رزی میرعباسی، پیشین، ۴۶.

22. Universal Periodic Review (UPR).

23. "What is the UPR?" Accessed December 10, 2016, <http://www.upr-info.org/en/upr-process/what-is-it>.

همان‌طور که پیش از این نیز به آن اشاره شد، یکی از علل اساسی و مبنایی در جایگزینی شورا با کمیسیون، ایراد سیاسی‌کاری و گزینشی عمل کردن کمیسیون در انتخاب اعضاء و نیز عدم توجه به وضعیت‌هایی بود که ادعا می‌شد در آنها نقض‌های (عمدتاً فاحش) حقوق بشری در جریان است. لذا مجمع عمومی سازمان ملل بر آن شد تا در قطعنامه مؤسس شورا به این ایرادات به گونه‌ای مؤثر پاسخ دهد. آیین ارزیابی دوره‌ای جهانی بدین دلیل مورد استقبال جامعه جهانی (هم طیف شمال و هم طیف جنوب) واقع شد که شورا را موظف می‌کند که تعهدات حقوق بشری «همه دولت‌های عضو»^{۲۴} را مورد ارزیابی قرار داده و در طرف مقابل، دولت‌های عضو نیز متعهد می‌شوند که تعهدات و الزامات خود را به گونه‌ای که شورا مشخص و مورد تأکید قرار داده است ایفاء کنند. با این وجود، قطعنامه تأکید می‌کند که این نظارت و ارزیابی باید «به گونه‌ای انجام پذیرد که پوششی جهانی و رفتاری برابر در قبال همه دولت‌ها داشته باشد»^{۲۵}. متعاقب این امر، شورا نیز با تصویب قطعنامه مصوب سال ۲۰۰۷ خود، راه را برای اعمال و پیاده‌سازی آیین مزبور هموار کرد. چرا که علاوه بر تأکید مجدد بر اعمال آن، ساز و کارهای لازم برای تحقق این رسالت را نیز در این قطعنامه فراهم کرده است.

از آنجا که محور اصلی بحث حاضر تأملی در وضعیت خاص حقوق بشری دولت کره شمالی است، از تحلیل عملکرد و رویه شورا امتناع و به تأمل در قطعنامه اخیر شورا در زمینه رعایت حقوق بشر در این کشور متمرکز و به بررسی میزان رعایت حقوق و تعهدات حقوق بشری کره بسنده می‌کنیم.

۳- قطعنامه اخیر شورای حقوق بشر در مورد «وضعیت»^{۲۶} حقوق بشر کره شمالی^{۲۷}

چارچوب تحلیل یک تأسیس یا یک وضعیت حقوقی، نگاهی صرفاً ایده‌آلیستی به دور از منطق حقوقی و به دور از واقعیات حاکم بر حقوق بین‌الملل مدرن می‌باشد^{۲۸}. در حقیقت از آنجا که اراده کشورها پدیدآورنده حقوق بین‌الملل است و به عبارت دیگر وحدت تابع و

24. All States.

25. Para5(e)-GA Res.60/251.

26. Situation.

27. A/HRC/25/L.17.

۲۸. رک: بندیکت کینگزبری، «نظام حقوق بین‌الملل» در فرجام حقوق بین‌الملل: نوسان میان تکنیک و تدبیر، به اهتمام سید قاسم زمانی، آرامش شهبازی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸)، ۱۲۸ به بعد.

موضوع در حقوق بین‌الملل برقرار است، تعهدات در این حوزه تا حدود زیادی متأثر از سیاست حکومت‌ها و یا به عبارت بهتر سیاست بین‌الملل است. این امر به گونه‌ای بوده که حتی در مواردی همین سیاست بین‌الملل، مانع عظیمی در راه پیشرفت و اجرای مقررات بین‌المللی است، اما این امر می‌تواند عامل پیشرفت و اجرای حقوق بین‌الملل نیز باشد^{۲۹}. لذا علاوه بر تحلیل حقوقی مسئله، تأثیر متقابل حقوق بین‌الملل بر سیاست بین‌الملل را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قطعنامه اخیر، همچون دیگر قطعنامه‌های صادره از سوی شورای حقوق بشر، در بدو امر به منابع و موازین بین‌المللی اشاره و استناد می‌کند که نه تنها برای کشورهای عضو شورا، بلکه برای سایر اعضای ملل متحد نیز لازم‌الاتباع و لازم‌الاجراء می‌باشند. این اسناد بین‌المللی عبارت‌اند از: منشور ملل متحد (مصوب ۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶) و دیگر اسناد لازم‌الاعتبار حقوق بشری همچون کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹)، کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۲۳ نوامبر ۱۹۸۹) و...؛ دلیل چنین استنادی نیز در سند تأسیس و آیین‌نامه داخلی شورا است که به ترتیب در قطعنامه‌های ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی ملل متحد و قطعنامه ۵/۱ شورای حقوق بشر نهفته است.

استناد به قطعنامه‌های ۲۲/۱۳ شورا (۲۱ مارس ۲۰۱۳) و ۶۸/۱۸۳ مجمع عمومی ملل متحد (۱۸ دسامبر ۲۰۱۳) در خصوص وضعیت کره شمالی و همچنین قطعنامه ۶۸/۱۸۳ که به دغدغه‌های جدی جامعه بین‌المللی علیه وضعیت حقوق بشری کره شمالی می‌پردازد، مبین توجه جدی شورا به اساسنامه و رسالتی است که دولت‌های عضو برای این مرجع در نظر گرفته‌اند. شورا در این قطعنامه ضمن تأکید بر عضویت کره در چهار کنوانسیون حقوق بشری از جمله میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، و بیان ماهیت تعهدات حقوق بشری این اسناد، ضرورت اجراء و احترام به این تعهدات را یادآور می‌شود. ویژگی خاص و منحصر به فرد بسیاری از تعهدات حقوق بشری از این حیث که برخلاف تعهدات دوجانبه، بر اصل تقابل^{۳۰} استوار است، متضمن لزوم رعایت تعهدات در برابر کل

۲۹. محمدرضا ضیایی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی* (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰)، ۵.

30. Principle of reciprocity.

جامعه بین‌المللی^{۳۱}، فارغ از نژاد، مذهب و جنسیت بوده و از این حیث محدودیت زمانی، مکانی و شخصی بر آنها وارد نیست.

اما «در مورد اینکه آیا دولت ثالث می‌تواند در قبال نقض چنین تعهداتی تقاضای جبران خسارت کند یا خیر، تردید وجود دارد^{۳۲}». با این حال باید دو حالت را تصور کرد:

اول آنکه در نتیجه نقض چنین تعهداتی (به عنوان مثال، نقض فاحش حقوق بشر در زمینه آزادی حیات)، اتباع دولت ثالث مورد تجاوز واقع شده باشند در این مورد مسلم است که مطابق اصول پذیرفته شده بین‌المللی که در قامت یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نیز متجلی است، هر دولتی در قبال نقض ناموجه حقوق ذاتی اتباع دولت ثالث، مسؤول خواهد بود و در صورت وقوع و اثبات نقض تعهد، دولت ثالث بر طبق قواعد حمایت دیپلماتیک از اتباع، می‌تواند از دولت متخلف تقاضای جبران خسارت نماید^{۳۳}.

حالت دوم وقتی است که دولت ثالث صرفاً از بابت نقض اینگونه تعهدات توسط دولت ناقض حقوق بشر، نسبت به اتباع خودش ادعای جبران خسارت داشته باشد. در این حالت هرچند اختلاف نظرهایی وجود دارد، ولی گرایش غالب به این سمت است که تنها حقی که دولت ثالث در چنین مواقعی می‌تواند داشته و طلب کند، مطالبه منع (توقف) ادامه روند متخلفانه‌ای باشد که دولت هدف مرتکب شده است (خواه این مطالبه مستقیماً از دولت خاطی مطالبه شود، خواه از طریق ارجاع آن وضعیت به نهادهای بین‌المللی صالح - همچون شورای امنیت سازمان ملل متحد -)^{۳۴}:

31. International community as a whole.

32. James Crawford, "Third Report on State Responsibility" (United Nations Document A/CN.4/507, New York: UN, 2000), at 46.

همچنین نک:

International Law Commission, "Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries" (Text adopted by the International Law Commission, New York: UN, 2001).

همچون دعوی «لاگرانده» در دیوان بین‌المللی دادگستری (آلمان علیه ایالات متحده - رأی ۷ ژوئن ۲۰۰۱) و دعوی «آونا» در دیوان بین‌المللی دادگستری (مکزیک علیه ایالات متحده - رأی ۲۱ مارس ۲۰۰۴)؛ عنوان هر دو دعوا به نوعی مشابه می‌باشد و آن هم نقض حقوق مسلم اتباع دولت شاکی که بعضاً منجر به از دست دادن جان اتباع مذکور گردیده است. نک: آرامش شهبازی، جواد کاشانی، «اعدام اتباع ایرانی در عربستان سعودی و ضرورت بازنگری در پرونده دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حمایت دیپلماتیک و کنسولی»، فصلنامه روابط خارجی ۱۸ (۱۳۹۲)، ۶۵.

33. International Court of Justice, "Order of 15 December 1979", (United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States v. Iran), The Hague: ICJ Reports, 1979), 7, 20, 40.

34. Theodor Meron, *the humanization of International law* Martinus (Leiden: Nijhoff publisher, 2006), 256-265.

«تعهداتی که یک دولت با الحاق به یک سازمان بین‌المللی متقبل می‌شود، تا حدودی مشتمل بر تعهداتی است که در قبال اعضای دیگر بر عهده دارد. مطابق قواعد کلاسیک حقوق بین‌الملل یک دولت ممکن است اقدامات متقابلی علیه دولتی انجام دهد که تعهدات خویش را نقض کرده است. بنابراین دولت ذی‌نفع می‌تواند با اعمال ضمانت‌اجراهایی علیه دولت دیگر، آن را به انجام تعهدات خود در قبال یک سازمان بین‌المللی وادارد. با این حال، در این خصوص ابهاماتی نیز وجود دارد. برخی سازمان‌های بین‌المللی صریحاً انجام اقدامات انفرادی اعضای علیه دیگر اعضا را ممنوع کرده‌اند از جمله می‌توان به اساسنامه شورای اروپا اشاره نمود^{۳۵}.

معمولاً در اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی، چنین مقرره‌ای صریحاً نیامده است. با این حال سازمان‌های بین‌المللی برای تنظیم زمینه‌های بین‌المللی از فعالیتی برمبنایی چندجانبه به وجود آمده‌اند و بنابراین به نظر می‌رسد که مانع از اقدامات یک‌جانبه در زمینه‌های مزبور خواهند شد.^{۳۶} ولی نکته قابل توجه این است که از آنجایی که هویت دولت‌های عضو منحصرأ وابسته به سازمان بین‌المللی ذی‌ربط نمی‌باشند و از آنجا که دولت‌ها یکسره از حیات خود صرف‌نظر نمی‌کنند، در مواردی سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توانند به طور مؤثر ضمانت‌اجراهای قابل ملاحظه‌ای را به دولت‌ها تحمیل کنند، حتی اگر اساسنامه آنها چنین مجوزی را پیش‌بینی کرده باشد^{۳۷}.

به این ترتیب، هرچند اساسنامه شورای حقوق بشر ضمانت‌اجراهایی را پیش‌بینی کرده است، ولی با توجه به اینکه کماکان دولت‌ها در مقابل تصمیمات مراجع بین‌المللی، به ویژه مراجع حقوق بشری هنوز هم به دیده تردید می‌نگرند، نتوانسته‌اند به میزانی از وفاق برسند که این دسته از تعهدات حقوق بشری را نیز هم‌راستا با سایر تعهدات طرفینی به انجام رسانند، مگر در مواردی که ضمانت‌اجرای ناشی از نقض تعهد به حدی باشد که جبران خلأ ناشی از اعتقاد و باور به تعهدات ذی‌ربط را مرتفع نماید^{۳۸}.

در این مورد نیز به هر حال، به نظر می‌رسد کره شمالی نیز خود را چندان متعهد به رعایت تعهدات حقوق بشری که در قطعنامه‌های قبلی مجمع عمومی و شورا مورد توجه قرار

35. EC (European Council), Art . 292

۳۶. سید قاسم زمانی، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲)، ۱۸۰.

۳۷. زمانی، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، همان، ۱۸۱.

38. Conall Mallory, "Membership and the Human Rights Council Membership," *Canadian Journal of Human Rights* 2 (2013): 3-4.

گرفته بود نمی‌داند و به دلیل چنین بی‌توجهی‌هایی از سوی کره شمالی است که مراجع بین‌المللی عدیده‌ای از آن خواستار رعایت و تضمین رعایت حقوق بنیادین بشری - هم نسبت به اتباع و شهروندان خود و هم نسبت به اتباع دیگر کشورها که بنا بر هر دلیلی در این کشور اقامت گزیده اند - شده‌اند.^{۳۹}»

به علاوه در متن قطعنامه مجمع عمومی نیز به صراحت «توجه کره شمالی به دغدغه‌های جامعه بین‌المللی» را مورد اشاره قرار داده است. قطعنامه مجمع در ۶ بند متجلی شده است که اهم موارد آن عبارت‌اند از: ابراز نگرانی شدید از روند رو به افزایش گزارش‌هایی دال بر نقض‌های شدید، سیستماتیک و گسترده حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ از جمله:

الف - شکنجه، رفتارهای تحقیرآمیز و غیر انسانی، بازداشت‌های غیرقانونی و جمعی، تحمیل مجازات اعدام به دلایل سیاسی و مذهبی، تحمیل کار اجباری؛

ب - توسعه زندان‌های سیاسی؛ مجمع از «شرایط اسفبار» چنین زندان‌ها و نیز وضعیت افراد بی‌گناهی که در اینگونه زندان‌ها به سر می‌برند به شدت اظهار تأسف و ابراز نگرانی می‌کند و از دولت کره شمالی تقاضای آزادی بی‌قید و شرط آنها را در اسرع وقت می‌طلبد؛

ج - محدودیت‌های فراگیر و طاقت‌فرسا بر آزادی‌های اندیشه، وجدان، مذهب، عقیده، بیان، تجمعات مسالمت‌آمیز و ...؛

د - نقض مکرر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که منجر به سوءتغذیه شدیدی شده و مشکلات عدیده‌ای در سلامت اتباع کره، خصوصاً زنان، کودکان و سالمندان به وجود آورده است؛

ه - مسائل نگران‌کننده خاص زنان (از جمله تجاوز - بردگی جنسی و...) و کودکان (از جمله کودکان خیابانی و کودکانی که والدین آنها در بازداشت به سر می‌برند).

قطعنامه شورا (A/HRC/25/L17) در ادامه به بند ۳ قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره می‌کند تا بدینوسیله یکی از اهداف و رسالت‌های اصلی خود را به طور ضمنی یادآور شود؛ چرا که در این بند از قطعنامه مجمع (که از قضا سند تأسیس شورا نیز می‌باشد) مقرر شده است که: «شورا موظف است وضعیت‌های نقض حقوق بشر، از جمله نقض‌های فاحش و سیستماتیک را مورد توجه قرار داده و در مورد آن توصیه‌هایی^{۴۰} را مقرر

39. Ralph Hassig, and Kongdan Oh, *The Hidden People of North Korea: Everyday Life in the Hermit Kingdom*, (Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishers, 2009), 3-5.

40. Recommendations.

دارد و همکاری‌های مؤثر و نیز جریان‌سازی‌های مؤثر حقوق بشر در سیستم ملل متحد را ترویج نموده و ارتقاء دهد.»

سپس شورا قطعنامه خود را اینگونه ادامه می‌دهد که «با استناد به قطعنامه ۵/۱ شورا در مورد نهادسازی (همان قاعده‌مندی‌سازی زمینه‌های حقوق بشری) و ۵/۲- در مورد قواعد رفتاری مخصوص آیین‌های ویژه مأموران شورا (منظور همان گزارشگران می‌باشد)، مصوب ۱۸ ژوئن ۲۰۰۷ و با تأکید بر اینکه گزارشگران باید وظایف خود را مطابق با قطعنامه‌های مربوطه و ملحقات (پروتکل) آنها انجام دهند و نیز با تحسین کمیسیون تحقیق در مورد وضعیت حقوق بشر در کره شمالی به خاطر تکمیل کار خود با شیوه‌ای شفاف، بی‌طرفانه و مشورتی (کنکاشی) در حالی که حکومت کره شمالی برای کاهش دسترسی به اطلاعات لازم، از طریق رد درخواست کمیسیون برای بازدید از کشور مذکور سعی در بی‌اثر کردن این اقدامات داشت، شورا تلاش‌های کمیسیون را کاملاً منصفانه ارزیابی کرده است؛ چرا که با ارائه اطلاعات جامع در مورد نحوه کار خود به حکومت کره شمالی و نیز از طریق احضار و دعوت نمایندگان دولت کره شمالی به جلسات عمومی، بی‌طرفی کامل تحقیق را تأمین و تضمین نموده‌اند.» پس شورا مجدداً در باب امتناع حکومت کره شمالی برای ادامه همکاری با کمیسیون تحقیق و گزارشگر مخصوص وضعیت حقوق بشر در کره شمالی من جمله دسترسی به این کشور، مراتب تأسف عمیق خود را در قطعنامه بیان کرده است. به دنبال آن، شورا بر گزارش‌های تراز اول تقدیمی به وسیله قربانیان و شهود که شهادت (خود را) در جلسات عمومی ارائه دادند و (نیز) «مصاحبه‌های محرمانه‌ای»^{۴۱} که به وسیله کمیسیون (تحقیق) انجام پذیرفت، تأکید ویژه‌ای می‌کند؛

نکته قابل توجهی که در این قسمت از قطعنامه به چشم می‌خورد، «یادآوری درخواست کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد - در بیانیه ۱۸ فوریه خود - از جامعه بین‌المللی برای به کارگیری کلیه مکانیسم‌های موجود برای تضمین پاسخگویی (در قبال نقض فاحش حقوق بنیادین بشری)، از جمله ارجاع (وضعیت) به «دیوان بین‌المللی کیفری»^{۴۲} می‌باشد. همان‌گونه که می‌دانیم، بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان در سه صورت می‌تواند نسبت به جنایات تحت شمول صلاحیت خود (مذکور در ماده ۵ اساسنامه دیوان) اعمال صلاحیت کند:

41. Confidential interviews.

42. International criminal court (ICC).

الف - یک دولت عضو وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع نماید؛

ب - شورای امنیت وضعیتی را که در مظان یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع دهد؛

ج - دادستان (رأساً) تحقیقاتی را به موجب ماده ۱۵ در مورد آن جنایت شروع نموده باشد.^{۴۳}

از آنجایی که دیوان در مورد بندهای (الف) و (ج)، تنها زمانی می‌تواند وارد عمل گردد که دولت هدف، عضو اساسنامه دیوان باشد^{۴۴}، و نیز با توجه به عدم عضویت دولت جمهوری دموکراتیک کره در زمره اعضای متعهد اساسنامه رم، لذا دیوان تنها در صورتی قادر به اعمال صلاحیت در مورد کره شمالی خواهد بود که وضعیت کره از مجرای بند (ب) ماده ۱۳ وارد عمل شود؛ آنجایی که شورای امنیت با صدور قطعنامه‌ای در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد، وضعیتی را به دیوان ارجاع می‌دهد.

نکته مهم در این باره این است که در این حالت عضویت دولت محل وقوع جنایت یا دولت متبوع متهمین در اساسنامه دیوان، پیش‌شرط اعمال صلاحیت دیوان محسوب نمی‌شود؛ در نتیجه دیوان جهت اعمال صلاحیت خود نیازمند اخذ رضایت هیچ دولتی نیست.^{۴۵}»

بر مبنای همین مقررات بود که کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد تقاضای ورود دیوان کیفری بین‌المللی به وضعیت کره شمالی را خواستار شد. چرا که دولت کره شمالی عضو اساسنامه دیوان نبود تا بتوان با توسل به یکی از طرق مذکور در بندهای الف و ج، پای سران کره شمالی متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی را پای میز محاکمه دیوان بکشاند. با این حال، همواره لازم است مخالفت دو دولت از اعضای دائم شورای امنیت برای طرح ارجاع وضعیت کره شمالی با تصویب قطعنامه‌ای در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد، علیه کره در نظر گرفته شود.

۴۳. سید قاسم زمانی، «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمرالبشیر»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۴ (۱۳۸۷)، ۱۵.

۴۴. در رابطه با صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری بر اتباع دولت‌های غیر عضو رک: دکتر حسین آقایی جنت مکان، حقوق کیفری بین‌المللی (مجموعه مقالات) (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲)، ۳۳-۷۲.

۴۵. دکتر جواد طهماسبی، صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱)، ۱۳۱.

یکی از مقامات ارشد چین (هوا چانینگ - سخنگوی وزارت خارجه چین) در نشست خبری در پکن در همین زمینه به صراحت اعلام داشت که: دولت پکن با هرگونه تلاش برای ارجاع وضعیت رهبر کره شمالی به دیوان بین‌المللی کیفری به اتهام ارتکاب جنایات علیه بشریت، مخالفت خواهد کرد.^{۴۶} از این رو، شاید بتوان چنین گفت که حتی با وجود ساز و کار حقوقی در باب رسیدگی به وضعیت کره شمالی از باب موارد نقض حقوق بشر، همچنان سایه سنگین سیاست بین‌المللی مانعی جدی در تحقق آرمان‌های حقوق بشری مورد نظر شورا است.^{۴۷}

البته با این وجود، به دور از انصاف خواهد بود اگر نقشی را که شورای امنیت در حمایت از حقوق بشر داشته است، صرفاً در پرتو این سیاسی‌کاری‌ها تفسیر کرد و با دیدی مطلقاً منفی به آن نگریست؛ چرا که شورای امنیت در مواردی با مداخله بجای و مؤثر توانسته است نقض‌های حقوق بشری را متوقف کرده و از حقوق ذاتی بشری صیانت به عمل آورد. مواردی همچون تشکیل دیوان‌های خاص^{۴۸} از جمله دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق^{۴۹} و دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا^{۵۰} از جمله مصادیق توجه شورای امنیت به مقوله حقوق بشر است.

بنابراین اگر «ابراز نگرانی عمیق (شورای حقوق بشر) از نقض‌های سیستماتیک، گسترده و فاحش حقوق بشر در کره شمالی که در بسیاری از موارد جرایم علیه بشریت تلقی می‌گردند، نمود عینی داشته باشد و مواردی از این دست از مصادیق نقض حقوق بشر تلقی شوند، بستری مناسب برای طرح پرونده کره شمالی در دیوان بین‌المللی کیفری فراهم خواهد شد. در این صورت، حتی دولت چین که همواره حامی اصلی کره شمالی در عدم ورود مسئله حقوق بشر این کشور به صحن شورای امنیت بوده است نیز در مقابل افکار عمومی جامعه جهانی در کل، مقاومت قابل ملاحظه‌ای از خود نشان نخواهد داد؛ چرا که اگر چنین شود، خود دولت پکن متهم به معاونت در ارتکاب اینگونه جرایم تلقی خواهد شد.

46. WWW.PRESSTV.IR/123.887north/korea

۴۷. در این باره رک:

آقایی جنت مکان، پیشین، ۴۵۵-۴۶۶

مصطفی فضائی، راضیه حکمت آرا، «نقش شورای امنیت در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۱۸ (۱۳۹۲)، ۱۰۸-۷۹.

48. Ad hoc.

49. ICTY .

50. ICTR.

با این وصف، هرچند بنا بر ماهیت تعهدات بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر که برخی از آنها به درجه قاعده آمره (Jus cogens) رسیده‌اند، و لذا در صورت تخلف، اقدامات بین‌المللی، حتی با توسل به زور و قوه قهریه (البته تنها در صورت تصمیم شورای امنیت)، نیز مجاز تلقی می‌شود^{۵۱}، اما این امر هرگز به معنای تأیید مداخله از سوی دولت‌های قدرتمند نیست و هرگز آن را توجیه و تأیید نمی‌کند^{۵۲}. این موضوع مقوله‌ای نیست که تشخیص آن به یک دولت واگذار شده باشد. بلکه ناظر بر این مفهوم است که امکانات حمایت از قربانیان برای نهادهایی فراهم آید تا دولت‌های متخلف از صلاحیت‌های ناشی از حاکمیت علیه شهروندان خود استفاده نکنند^{۵۳}. البته در مورد مشروعیت اقدامات یک‌جانبه در سطور بالا سخنی معروض داشتیم.

شورای حقوق بشر در ادامه و قبل از آنکه خواسته‌های اصلی خود را مطرح کند، زمینه‌ها و اسباب دیگری را در جهت نگرانی حاصله در مورد وضعیت حقوق بشر در کره شمالی بیان می‌دارد. از جمله آنها، «عدم بیان و گزارش شفاف کره شمالی در زمان تصویب گزارش حاصل از ارزیابی دوره‌ای جهانی شورای حقوق بشر در مارس ۲۰۱۰ و اظهار تأسف از عدم توجه به اقدام جدی کره شمالی در مورد اجرای توصیه‌هایی که در گزارش (مزبور) ذکر شده بود»، «نگرانی از وضعیت پرمخاطره و رو به تشدید نقض حقوق بشردوستانه در این کشور، (آن هم) به دلیل قصور (به واقع امتناع) حکومت کره شمالی از دسترسی آزاد و بدون مانع نهادهای (بشردوستانه) بین‌المللی به همه مردم» اولویت‌های (غیربشری) سیاست ملی از جمله اولویت قرار دادن هزینه‌های نظامی بر دسترسی شهروندان کره‌ای به غذا (اغذیه به معنای آن که هم شامل غذا و هم آب آشامیدنی با هم می‌باشد)».

۴- موارد نقض تعهدات حقوق بشری کره شمالی

۴-۱- تعهدات دولت کره شمالی به موجب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی

همان‌گونه که در سطور ابتدایی این نوشته نیز ذکر کردیم، شورا توجه دولت کره شمالی را به چهار کنوانسیون حقوق بشری معطوف می‌دارد که جزء اساسی‌ترین کنوانسیون‌های حقوق بشری می‌باشند و مفاد آنها تقریباً بیانگر قواعد عرفی مربوطه می‌باشند. از جمله این

51. Edward C. Luck, *UN Security Council, Practice and Security* (London: Routledge, 2006), 48-50.

52. *Ibid.*, 55.

53. حسین شریفی طرازکوهی، *زمینه‌ها ابعاد و آثار حقوق شهروندی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۱۲۳ و ۱۲۴.

کنوانسیون‌ها میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

بارزترین حق‌های سیاسی و مدنی، حق بر زندگی، آزادی‌های فردی، حق برابری، آزادی‌های مدنی، آزادی مذهب و حق مشارکت سیاسی است. این در حالی است که هرچند به تصریح ماده ۱(۳) میثاق حقوق مدنی و سیاسی «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تبعیضی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند»، ولی رژیم حاکم بر کشور کره شمالی به گونه‌ای پی‌ریزی شده است که چنانکه در مقدمه نیز ذکر کردیم عملاً «مشارکت سیاسی» در چنبره طیف خاص و متبوع حکومت می‌باشد و اگر سایر طیف‌ها نیز مشارکت داشته باشند به دلیل گستره چتر خفقانی است که حکومت مرکزی بر پیکره این کشور گسترانیده است. از سویی دیگر اگر مردم مایل به مشارکت در امور سیاسی باشند نیز این امر نمی‌تواند به فعلیت تبدیل یابد، چرا که با وجود نظام تک‌حزبی که بر صحنه سیاست این کشور حاکم است، بنیانی‌ترین و اصلی‌ترین خصیصه و لازمه یک حکومت مردم‌سالار و دموکراتیک را که همانا اصل تعدد و تکثر احزاب می‌باشد، دارا نمی‌باشد^{۵۴}، و لذا این مشارکت به گونه‌ای که در حقوق بین‌الملل بشر معاصر تعریف گشته است نبوده و عاری از رنگ و بوی دموکراسی و روح آزادی می‌باشد.

در قطعنامه اخیر شورای حقوق بشر نیز به این مهم در شق الف بند ۲ از خواسته‌های نهایی خود اشاره شده و «انکار حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، همچنین حق آزادی عقیده، بیان و اجتماع که از طریق تسلط کامل بر اطلاعات و کنترل کلی بر زندگی اجتماعی شهروندان سازمان یافته است و نیز نظارت خوسرانه و غیرقانونی دولت که به زندگی خصوصی شهروندان نفوذ می‌کنند» را به منزله نقض مداوم، سیستماتیک، گسترده و فاحش حقوق بشر تلقی کرده است و قبل از بیان این دغدغه نیز از حکومت کره شمالی «ضرورت تضمین دسترسی کامل به کلیه حق‌های بشری و آزادی‌های بنیادین آنها در مقابل قصور، سوءاستفاده، استثمار و خشونت» را مطالبه کرده است.

از سویی دیگر شورا در شق «ب» بند ۲ درخواست‌های نهایی خود، «تبعیض مبتنی بر نظام "sungbung" که مطابق آن، شهروندان بر اساس مرتبه اجتماعی و نیز بنا بر ملاحظات و

۵۴. این در حالی است که نام کامل کشور کره شمالی، جمهوری «دموکراتیک» کره می‌باشد.

عقاید سیاسی مذهبی توسط حکومت تقسیم شده‌اند» را نیز به منزله نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بنیادین بشر معرفی کرده است؛ چرا که با اعمال چنین سیستم‌هایی، شایسته‌سالاری قربانی تملق‌گرایی خواهد شد و افراد را از آنچه که هستند به واقع از اصالت روحی و عقیده‌ای خود، به دور می‌رانند و به تبع آن، جو استبداد حاکم خواهد شد و این امر نیز به نوبه خود احیاء‌کننده اصل کلاسیک و معروفی می‌باشد که در دوران پادشاه‌محوری و امپراطوری رایج شده بود و بنا بر آن: «پادشاه از خطا مصون می‌باشد»^{۵۵}. چرا که در جامعه‌ای که افراد مجاز به ابراز عقاید درونی و حقایق موجود در آن جامعه نباشند، ریشه این امر در تئوکراسی می‌باشد که حاکم بر چنین نظام‌هایی می‌باشد. این امر در حالی است که ایدئولوژی حاکم بر کره شمالی همسو و هم‌راستا با عقایدی است که دیگر در هزاره سوم امری مضحک و مستبدانه قلمداد می‌گردد.

از دیگر مواردی که در گزارش کمیته حقیقت‌یاب ویژه وضعیت حقوق بشر کره شمالی بدان اشاره شده است و همچون شقوق قبلی در زمره نقض‌های حقوق بشری قلمداد شده است، «نقض حق بر حیات و اقدامات نابودکننده، قتل عمد، بردگی، شکنجه، حبس غیرقانونی، تجاوز و دیگر اشکال شدید خشونت جنسی و آزار به دلایل سیاسی، مذهبی و جنسی در کمپ‌های سیاسی و عادی زندان‌ها و اعمال گسترده مجازات‌های جمعی با احکام خشن که بر افراد بی‌گناه تحمیل می‌شوند»^{۵۶}، می‌باشند.

بنا بر این گزارش‌ها، شورا از حکومت کره خواستار «تضمین حق آزادی اندیشه، وجدان، مذهب و نیز آزادی عقیده، بیان و اجتماع، از جمله از طریق اعطای مجوز تأسیس روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های مستقل»، «خاتمه دادن به تبعیض علیه شهروندان از جمله تبعیضات دولتی مبتنی بر نظام Sungbung، توقف فوری کلیه نقض‌های حقوق بشری مرتبط با کمپ‌های زندان، من جمله اعمال کار اجباری»، «از بین بردن کلیه کمپ‌های سیاسی زندان‌ها و آزادی جمیع زندانیان سیاسی» و بالاخره «تضمین و تأمین اصلاحات ساختار قضایی که حمایت‌هایی را برای یک محکمه و دادرسی منصفانه مقرر کند» شده است.

55. The king is infallible.

۵۶. شق «و» بند ۲.

۴-۲- تعهدات کره شمالی به موجب میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

هرچند وضعیت حقوق بشری کره شمالی عمدتاً معطوف به نقض حقوق مدنی و سیاسی شهروندان کره‌ای بوده است، لکن همان‌گونه که در قطعنامه شورا به نیکی یاد شده است، وضعیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر این کشور هرچند به لحاظ کمیت - از نظر تعداد اسمی موارد نقض حقوق بشر - از موارد نقض حقوق مدنی و سیاسی کمتر بوده‌اند، ولی در باب کیفیت نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اگر وضعیت این حقوق از وضعیت حقوق مدنی و سیاسی فجیع‌تر نباشد، بی‌تردید شدت و حدت اینگونه نقض‌ها کمتر نخواهد بود. چنانکه شورا در سطور مختلفی از قطعنامه خود به مشکل - به واقع باید گفت، مصیبت - دسترسی به غذای کافی اشاره می‌کند؛ مشکلی که تنها به عدم توجه مقامات کره‌ای به وضعیت اسفبار تغذیه شهروندان خود به ویژه افرادی که نوعاً در معرض خطر بیشتری در این باره هستند، همچون زنان و کودکان و سالمندان، معطوف نمی‌باشد بلکه ممانعت مقامات مذکور از ارائه کمک‌های بشردوستانه جامعه بین‌المللی به شهروندان خود فاجعه را به حد اعلاء رسانده است.

در مورد اثرات سوءتغذیه نیز همین بس که «در زنانی که از مزایای اجتماعی محروم هستند، سوءتغذیه می‌تواند روی وظایف تولیدمثل آنها اثر بگذارد و به یک چرخه مخرب تبدیل گردد. خطر سوءتغذیه، دختران بسیاری را در جوامع در حال توسعه و عقب‌مانده تهدید می‌کند. این دختران در آینده از جمله مادرانی خواهند شد که از همان دوران حاملگی به سوءتغذیه مبتلا هستند و کودکانی به دنیا می‌آورند که وزنشان کم است»^{۵۷} و «به شدت در معرض مرگ زودرس هستند»^{۵۸}.

فقدان منابع غذایی کافی می‌توانست توجیهی باشد برای چنین وضعیتی؛ ولی به دلیل بی‌اعتمادی و بدبینی سران کره شمالی به کمک‌های ارائه‌شده توسط جامعه بین‌المللی، این ممانعت نه تنها توجیه‌پذیر و قابل پذیرش نمی‌باشد، بلکه حتی می‌تواند زمینه‌ای باشد برای پیگیری این امر در چارچوب موازین حقوق بین‌الملل کیفری - خاصه دیوان بین‌المللی کیفری - از سوی جامعه بین‌المللی؛ چرا که این اقدام مقامات کره‌ای در ممانعت از ایصال و وصول

۵۷. «قوانین بین‌المللی درباره حق غذا»، ویستا، تاریخ دسترسی ۲۱ آذر ۱۳۹۵

//قوانین-بین-المللی-در-باره-حق-غذا/221876/vista.ir/article/

58. Woon Keun Kim, Hyunok Lee and Daniel A. Sumner, "Assessing the Food Situation in North Korea," *Economic Development and Cultural Change* 46: 3 (1998): 519, accessed December 11, 2016, doi: 10.1086/452356.

کمک‌های بشردوستانه، نمونه بارز مصادیق نسل‌زدایی می‌باشد که این موضوع خود می‌تواند در صورت اجتماع جمیع شرایط لازم جهت رسیدگی‌های بین‌المللی نزد نهادهای بین‌المللی (اعم از نهادهای سیاسی همچون شورای امنیت سازمان ملل متحد و نهادهای کیفری همچون دیوان بین‌المللی کیفری رم - در صورت رعایت ترتیبات لازم جهت احراز صلاحیت آن در موضوع مطروحه -) زمینه‌ساز محاکمه چنین مقاماتی گردد. ولی این امر نیز چنانکه متذکر شدیم، مستلزم مشارکت عام و جمعی جامعه بین‌المللی می‌باشد.

فارغ از مبحث مسؤلیت حمایت که هر حکومتی در قبال شهروندان خود عهده‌دار می‌باشند، و در این مقاله مجالی برای طرح این موضوع نمی‌باشد، حکومت کره شمالی در خصوص حقوق بنیادین بشری از جمله حق شهروندان بر داشتن غذای مکفی، دارای مسؤلیت مضاعفی می‌باشد و آن مسؤلیت اینک که این دولت به عضویت و پذیرش میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ در آمده است و بنا بر تصریح ماده ۱۱ میثاق مذکور تشخیص حق هر کسی «با توجه به استاندارد سطح زندگی خودش و خانواده‌اش من جمله تأمین غذای کافی و تداوم بهینه‌سازی شرایط زندگی» امری الزامی معرفی شده است. دولت‌ها باید مطمئن شوند که شهروندان از قابلیت دسترسی به آب و غذای کافی برخوردار هستند.^{۵۹}

برخی از نویسندگان برای حق بر غذا چنان اهمیت والایی قائل شده‌اند که این حق را «پیش شرط تحقق سایر حقوق» نامیده‌اند و در این باره اظهار داشته‌اند که «حق بر غذا به عنوان حق بنیادین هر شخص، حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذا با کیفیت و کمیتی است که پاسخگوی نیازهای غذایی و فرهنگی او باشد. تحقق این حق با برآوردن نیازهای اولیه و اساسی انسان، زمینه تحقق سایر حقوق بشری شخص را فراهم می‌کند و از این جهت با کرامت انسانی در ارتباط است.^{۶۰}»

لذا «حق بر غذا برخلاف غفلتی که در عمل نسبت به آن نشان داده می‌شود، در تئوری بسیار مورد توجه قرار گرفته و در گستره وسیعی از اسناد حقوق بشری به آن پرداخته شده است.^{۶۱}» با لحاظ توجهات فوق می‌توان به عمق فاجعه‌ای که در گزارش کمیته حقیقت‌یاب

59. International covenant on economic, social and cultural rights, 1966, art.11

۶۰. علیرضا ابراهیم گل، «حق بر غذا: پیش شرط تحقق سایر حقوق»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری ۳۹ (۱۳۸۷)، ۲۲۱-۲۴۳.

۶۱. فرهاد طلایی، علی رزم‌خواه، «تعهدات دولت در قبال حق بر غذا با توجه به ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۴۳ (۱۳۹۲)، ۱۲۲.

ویژه وضعیت حقوق بشر کره شمالی بدان اشاره شده است و نیز به شدت مسؤولیت مسؤولان سیاسی دولت و حکومت کره شمالی پی برد.

۵- توصیه‌های حمایتی شورای حقوق بشر در وضعیت کره شمالی

شورای حقوق بشر پس از آنکه اهم موضوعات مورد نظر کمیته حقیقت‌یاب را گوشزد می‌نماید، به دنبال آن، یکسری اقدامات حمایتی را نیز در چارچوب قطعنامه خود متذکر می‌گردد که عملی شدن آنها می‌تواند به برطرف شدن وضعیت نابهنجار حقوق بشری حاکم بر کشور کره شمالی بیانجامد.

لکن قبل از ذکر این اقدامات حمایتی، باید نکته‌ای را یادآور شویم و آن اینکه در مقابله با وضعیت‌هایی که در آنها حقوق افراد بشری در معرض نقض و تضییع عمده و شدید می‌باشد، می‌بایست واقع‌نگرانه با چنین موضوعاتی برخورد شود. لذا ما با دیدی واقع‌نگرانه اقدامات حمایتی شورا را ذکر و پس از آن تحلیل خواهیم کرد.

یکی از مواردی که شورا به حق و به صواب بدان اشاره داشته است، «تأکید بر قصور مقامات کره شمالی در تعقیب مسؤولین جرایم علیه بشریت و دیگر نقض‌های عمده و فاحش بشری می‌باشد که بدین منظور با استعانت از اعضای جامعه بین‌المللی از آنها مطالبه همکاری در تضمین این امر را می‌نماید که مرتکبان چنین جرایمی (که ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین جامعه بین‌المللی را نقض کرده‌اند) بدون مجازات باقی نمانند.»

این تأکید شورا بر پیشگیری از بی‌کیفرمانی ناقضین حقوق بشر، هم‌راستا با همان پدیده انسانی شدن حقوق بین‌الملل می‌باشد^{۶۲}؛ چرا که همان‌گونه که توضیح دادیم، حقوق بین‌الملل مدرن رو به سوی فردمحوری گذاشته و مصونیت مقامات نمی‌تواند مانع از کیفردهی افرادی گردد که در لوای مسؤولیت (در سطح کلان کشوری) به خود اجازه نقض حقوق و تعهداتی را می‌دهند که مورد حمایت جامعه بین‌الملل در کل می‌باشند.

بی‌شک بدین دلایل است که شورا در بند هفتم از درخواست‌های نهایی خود - مذکور در قطعنامه فوق - به مجمع عمومی توصیه نموده است که گزارش کمیسیون تحقیق را برای

۶۲. لازم به ذکر است که هرچند این امر در راستای انسانی شدن حقوق بین‌الملل می‌باشد، لکن همان‌گونه که برخی از صاحب‌نظران نیز به درستی اعلام داشته‌اند، به واقع حقوق بشر دلیل عمده و مبنایی این پدیده (انسانی شدن حقوق بین‌الملل) می‌باشد. رک:

Theodor meron, *The Humanization of International Law* (Leiden: Martinus Nijhoff Publisher, 2006).

ملاحظه و رسیدگی و نیز اقدامات مقتضی در مورد مسؤولین نقض‌های مذکور - از جمله آنهایی که به حد جرایم علیه بشریت بالغ آمده‌اند -، به سمع و نظر شورای امنیت ملل متحد برساند.

از جمله اقدامات مقتضی که شورا خود آنها را توصیه نموده است، «ارجاع وضعیت کره شمالی به مکانیسم عدالت بین‌المللی کیفری»، و نیز «در نظر گرفتن مجازات (تحریم)‌های هدفمند علیه افرادی که به نظر می‌رسد بیشترین مسؤولیت را در قبال جرایم علیه بشریت داشته باشند (با در نظر گرفتن توصیه‌های کمیسیون تحقیق)» می‌باشد.

در این رابطه، مجمع عمومی ملل متحد طی قطعنامه‌ای که توسط اتحادیه اروپا و ژاپن آماده شده بود و با رأی موافق ۱۱۶ عضو، مخالفت ۲۰ عضو و نیز ۵۳ رأی ممتنع تصویب گشت، توجه شورای امنیت را به وضعیت حقوق بشر در کره شمالی و نقض‌های فاحشی که در آنجا در حال ارتکاب است جلب نموده است و در ادامه از شورای امنیت، ارجاع وضعیت مزبور را مطابق بند «ب» ماده ۱۳^{۶۳} اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به دیوان مزبور خواستار شده است.^{۶۴}

شورا در بند ۹ این اقدام مقتضی را به نهادهای ملل متحد نیز تسری داده و از آنها خواسته است که توصیه‌های کمیسیون تحقیق راجع به چگونگی رفتار با حکومت کره شمالی را مدنظر و سرلوحه اقدامات خود قرار دهند.

یکی از نقاط قوت شورا در اتخاذ اقدامات حمایتی در چارچوب قطعنامه فوق، اتخاذ سیاست‌های تشویقی است که بدان‌ها متوسل شده است. بی‌تردید اتخاذ سیاست‌های تشویقی همچون «تشویق کلیه دولت‌هایی که با کره شمالی رابطه (مؤثری) دارند، برای اعمال

۶۳. ماده ۱۳ اساسنامه:

«دیوان می‌تواند مطابق مقررات این اساسنامه صلاحیت خود را نسبت به جنایات مذکور در ماده ۵ اعمال نماید، چنانچه:

الف: یک دولت عضو وضعیتی را که به نظر می‌رسد در آن یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع دهد؛

ب: شورای امنیت وضعیتی را که به نظر می‌رسد در آن یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع دهد؛

ج: دادستان تحقیقاتی را به موجب ماده ۱۵ در مورد آن جنایت شروع نموده باشد.»

۶۴. در این باره نک:

“General Assembly decides to refer UN report on human rights in DPR Korea to Security Council,” Un News Centre, last modified December 18, 2014, <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=49648>.

نفوذشان جهت اقناع و تشویق کره شمالی به اتخاذ اقدامات فوری برای خاتمه دادن به کلیه اشکال نقض‌های حقوق بشری از جمله بستن کمپ‌های سیاسی زندان‌ها و تعهد به انجام اصلاحات عمیق» و نیز «تشویق نهادهای تخصصی ملل متحد، سازمان‌های بین‌الدولی منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی» برای فراهم کردن بستر مذاکرات و همکاری‌های سازنده با کره شمالی هم‌راستا با آنچه که ما از آن به واقع‌نگری تعبیر کردیم می‌باشد؛ چرا که اصلاح یک دولت ناقض حقوق بین‌الملل بشر به صرف اتخاذ اقدامات تنبیهی نه تنها احتمال دارد که مؤثر واقع نشود، بلکه امکان دارد که آن را در استمرار نقض‌های خود جری‌تر بنماید. لذا شورا با اتخاذ این تشریفات، واقع‌نگری خود را در قبال و در برخورد با وضعیت حقوق بشری کره شمالی به خوبی نشان داده است.

التهایه، شورا با استعانت از دبیرکل، در بند ۱۷ از وی می‌خواهد که «کلیه همکاری‌ها و نیروهای انسانی مکفی و ضروری را برای انجام مأموریتش به صورت مؤثر فراهم، و دریافت حمایت‌های کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد را نیز تضمین بکند و هم‌زمان از کره شمالی نیز می‌خواهد که هزینه‌های ورود اعضای کمیسیون تحقیق - که مدت مأموریت آنها به مدت یک سال دیگر تمدید شده است - و دسترسی (کامل) به خاک آن دولت را میسر نماید.»

حال با لحاظ جمیع اوضاع و احوالات مذکور، می‌بایست منتظر ماند و دید که شورای امنیت در قبال ارجاع وضعیت اخیر حقوق بشر در کره شمالی چه اقدامی را اتخاذ خواهد نمود. هرچند سابقه عملکرد کره شمالی در این زمینه چندان مثبت نبوده است، چنین به نظر می‌رسد که با فشار افکار عمومی جامعه بین‌الملل، وادار نمودن عضوی از جامعه بین‌المللی به گردن نهادن به حکومت قانون، دور از انتظار نخواهد بود.

نتیجه

شورای حقوق بشر در قبال وضعیت حقوق بشر در کره شمالی توانسته است تا حدود زیادی توقعات جامعه بین‌الملل را برآورده سازد. از جمله با تحت فشار گذاشتن دولت مزبور در ارائه گزارش‌های دوره‌ای خود، توانسته است تا حدودی در انتقال نگرانی‌های جامعه بین‌الملل به این دولت سهم بسزایی را ایفاء نماید.

آنچه که در رابطه با وضعیت حقوق بشر در کره شمالی، بیشتر از سایر موارد، خودنمایی می‌کند و به واقع علت عمده نگرانی جامعه بین‌الملل را سبب شده است، بستن مرزهای این

کشور به روی جامعه بین‌الملل به ویژه نهادهای حقوق بشری تحت نظارت سازمان ملل متحد است. گویی حکومت کره شمالی به همسایه بزرگ خود ننگریسته و از تاریخ درس عبرت نیاموخته است؛ چرا که چین کمونیست نیز در برهه‌ای چنان درهای کشور خود را بر روی دنیا بسته بود که معروف شده بود به «کشوری محصور در خیزران آهنین» ولی تحولات عرصه بین‌الملل چنان به سرعت و شدت در حال انقلاب بود که چین کمونیست ناچار گشت که روابط خود را با جامعه بین‌الملل از سر بگیرد. حال در برهه کنونی چگونه می‌توان کره شمالی را از وضعیت مشابه چین کمونیست به در آورده و آزادی را به شهروندان کره‌ای بازگرداند؟ به نظر می‌رسد که شاه‌کلید این وضعیت در دستان اعضای شورای امنیت به ویژه اعضای دائم آن باشد.

این امر مستلزم سه ساز و کار است که این ساز و کارها نیز خود مستلزم یک پیش‌شرط است:

پیش‌شرط نیل به هدف فوق، کنار گذاشتن اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک اعضای شورای امنیت و محور قرار دادن نگرانی‌ها و منافع جامعه بین‌الملل در کلیت آن می‌باشد و ساز و کارهای مزبور نیز، به ترتیب عبارت‌اند از:

نخست) پابندی به مسؤولیت حمایت دولت در قبال شهروندانش در صحنه بین‌المللی. البته مقوله مسؤولیت حمایت هنوز خود از موارد چالش‌برانگیزی است که هنوز هم در رویه بین‌المللی کاملاً شفاف و بی‌ابهام به نظر نمی‌رسد. متعاقب اقدامات کمیسیون کانادایی در رفع ابهام از مفهوم مسؤولیت حمایت، اقدامات دبیرکل و قطعنامه‌های صادره از مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی، مؤلفه‌های اصلی مسؤولیت حمایت: اولاً، دولت‌ها، مسؤولیت حمایت از شهروندانشان در برابر ژنوسید، جرایم جنگی، پاکسازی قومی و جنایت علیه بشریت، را عهده‌دار می‌شوند؛ ثانیاً، دولت‌ها تعهد به مساعدت لازم به دولت مورد نظر را برای فراهم آوردن شرایط اعمال تعهداتش در برابر شهروندانش را مورد قبول قرار می‌دهند؛ ثالثاً، تعهد می‌کنند تا در وضعیتی که دولت میزبان، به صورتی آشکار و صریح، قادر یا مایل به اجرای تعهدات اولیه‌اش نسبت به شهروندانش نباشد، با استفاده از کلیه شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای حمایت از مردم وارد عمل شوند؛ و رابعاً، موافقت می‌کنند تا در فرضی که کلیه شیوه‌ها و طرق مسالمت‌آمیز مذکور به نتیجه نرسد، این مسؤولیت به شورای امنیت ملل محول شود تا شورا با توسل به شیوه‌های لازم، از جمله مداخله نظامی به اوضاع و احوال مورد نظر سامان بخشد.

روشن است که تعهد به مسؤولیت حمایت در بدو امر متوجه خود دولت و در مراحل بعدی تعهدی است که به جامعه بین‌المللی منتقل می‌شود. شاید اگر مؤلفه‌هایی که از نظر بین‌المللی از مصادیق نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر تلقی می‌شود محرز شود، و در صورتی که دولت کره شمالی مایل یا قادر به حمایت از شهروندانش در قبال چنین اقداماتی نباشد، این مسؤولیت به جامعه بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد واگذار می‌شود تا با اقدامی مثبت در قبال اقدامات ذی‌ربط عکس‌العمل نشان دهند.

دوم) اقدامات دولت‌ها در صحنه بین‌المللی منحصر به تلاش برای پیشگیری از نقض حقوق بشر و واکنش در برابر آن نیست. این قبیل اقدامات می‌تواند به اقداماتی متقابل در قالب تحریم‌های هوشمند نیز تسری یابد. تحریم‌هایی که در صورت به کارگیری صحیح آنها می‌توانند به تدریج، زمینه پذیرش خواسته‌های جامعه بین‌الملل را فراهم آورند. البته باید توجه داشت که کره شمالی در حال حاضر نیز در موقعیت تحریم اقتصادی به سر می‌برد، لکن در وهله نخست توجه به ماهیت و نوع تحریم از اهمیت خاصی برخوردار است و در وهله بعدی، توجه به این نکته ضروری است که این تحریم‌ها خود نباید به نقض حقوق بشر و تحدید آزادی‌های اساسی منجر شود.^{۶۵}

سوم) در مرحله نهایی، با توجه به عدم عضویت کره شمالی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، و عدم اجابت خواسته‌های سازمان ملل متحد توسط این دولت، بی‌نتیجه ماندن مذاکرات و طرق دیپلماتیک و صلح‌جویانه بین‌المللی، جدی‌ترین راه‌حل ممکن در رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر از سوی این دولت ارجاع وضعیت این دولت، مستقیماً از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی است.

۶۵ سید قاسم زمانی، جمشید مظاهری، «تحریم‌های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح؟»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۴۴ (۱۳۹۰)، ۱۴۷-۱۴۰.

فهرست منابع

ابراهیم گل، علیرضا. «حق بر غذا: پیش شرط تحقق سایر حقوق». مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری ۳۹ (۱۳۸۷): ۲۲۱-۲۴۳.
آقای جنت مکان، حسین. حقوق کیفری بین‌المللی (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.

بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین‌الملل عمومی. چاپ چهل و یکم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.
زمانی، سید قاسم. «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمرالبشیر». مجله پژوهش‌های حقوقی ۱۴ (۱۳۸۷): ۱۳-۴۸.

زمانی، سید قاسم. حقوق سازمان‌های بین‌المللی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.

زمانی، سید قاسم، آرامش شهبازی. فرجام حقوق بین‌الملل: نوسان میان تکنیک و تدبیر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸.

زمانی، سید قاسم، جمشید مظاهری. «تحریم‌های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح؟». مجله حقوقی بین‌المللی ۴۴ (۱۳۹۰): ۱۱۵-۱۶۲.

سید باقر میرعباسی، رزی میرعباسی. نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر. ج ۲. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.

سید باقر میرعباسی، رزی میرعباسی. نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر. ج ۱. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.

شریفی طراز کوهی، حسین. زمین‌ها ابعاد و آثار حقوق شهروندی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
طهماسبی، دکتر جواد. صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری. چاپ دوم. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
فضائلی، مصطفی، راضیه حکمت آرا. «نقش شورای امنیت در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۱۸ (۱۳۹۲): ۱۰۸-۷۹.

«قوانین بین‌المللی درباره حق غذا»، ویستا، تاریخ دسترسی ۲۱ آذر ۱۳۹۵

<http://vista.ir/article/221876> /قوانین-بین-المللی-در-باره-حق-غذا

“The Road to Rights: Establishing a Domestic Human Rights Institution in the United States”, A Post-Conference Report from the Global Convening on National Human Rights Commissions, Report from the Global Exchange on National Human Rights Commissions at the Rockefeller Foundation Center, Bellagio, Italy: August 2-6, 2010, Columbia Law School: Human Rights Institute, Accessed December 10, 2016, http://www.law.columbia.edu/ipimages/Human_Rights_Institute/The%20Road%20to%20Rights%20Final.pdf

Central Intelligence Agency, The World Fact Book 2005 (US: Directorate of Intelligence, 2009), 117.

Crawford, James. “Third Report on State Responsibility.” United Nations Document A/CN.4/507, New York: UN, 2000.

Fitzgerald, Peter L. “Smarter ‘Smart’ Sanctions.” Penn State International Law Review 26: 1 (2007): 37-56.

Gaer, Felice D. and Christen L. Broecker. The United Nations High Commissioner for Human Rights, Conscience for the World. UK: Nottingham: Brill |Nijhoff, 2014.

General Assembly (UN) Res.5/1.

General Assembly (UN) Res.60/251.

Hassig, Ralph, and Kongdan Oh. *The Hidden People of North Korea: Everyday Life in the Hermit Kingdom*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield Publishers, 2009.

Houghton Mifflin Harcourt, *The American Heritage-dictionary Of The English Language* (USA: FL: Orlando: Houghton Mifflin Company, Fifth Edition, 2016), <https://ahdictionary.com/word/search.html?q=north+korea>

<http://WWW.PRESSTV.IR/123.887north/korea>

International Coalition for the Responsibility to Protect. "home." Last accessed December 11, 2016. <http://responsibilitytoprotect.org>.

International Court of Justice, Advisory Opinion, ICJ Reports, The Hague: International Court of Justice, 1996.

International Court of Justice. "Order of 15 December 1979." United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States v. Iran), The Hague: ICJ Reports, 1979.

International covenant on economic, social and cultural rights, 1966

International decisions

International Law Commission, "Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries." Text adopted by the International Law Commission, New York: UN, 2001.

Kim, Woon Keun, Hyunok Lee and Daniel A. Sumner. "Assessing the Food Situation in North Korea." *Economic Development and Cultural Change* 46: 3 (1998): 519-535, accessed December 11, 2016, doi: 10.1086/452356.

Kondoch, Boris. "The Responsibility to Protect and Northeast Asia: The Case of North Korea." *The Korean Journal of Defense Analysis* 24 (2014): 433-448.

Korea Institute for National Unification. "White Paper on Human Rights in North Korea." South Korea: Seoul: Korea Institute for National Unification, 2008.

Korea Institute for National Unification. "White Paper on Human Rights in North Korea." South Korea: Seoul: Korea Institute for National Unification, 2009.

Korea Institute for National Unification. "White Paper on Human Rights in North Korea." South Korea: Seoul: Korea Institute for National Unification, 2010.

Korea Institute for National Unification. "White Paper on Human Rights in North Korea." South Korea: Seoul: Korea Institute for National Unification, 2011.

Korea Institute for National Unification. "White Paper on Human Rights in North Korea." South Korea: Seoul: Korea Institute for National Unification, 2012.

Korea Institute for National Unification. "White Paper on Human Rights in North Korea." South Korea: Seoul: Korea Institute for National Unification, 2013.

Lyons, Scott R. "The New United Nations Human Rights Council." *Insights* 10: 7 (March 27, 2006), https://www.asil.org/insights/volume/10/issue/7/new-united-nations-human-rights-council#_ednref1 (last visited: 10/12/2016).

Mallory, Conall. "Membership and the UN Human Rights Council." *Canadian Journal of Human Rights* 2:1 (2013): 1-38.

Meron, Theodor. *The Humanization of International Law*. Leiden: Martinus Nijhoff Publisher, 2006.

Tan ·Morse H. "North Korean Nuclear Crisis: Past Failures, Present Solutions." *St. Louis University Law Journal* 50 (2006): 517-556.

UN News Centre. "General Assembly decides to refer UN report on human rights in DPR Korea to Security Council." Last modified December 18, 2014. <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=49648>.

UPR. "What is the UPR?." Accessed December 10, 2016, <http://www.upr-info.org/en/upr-process/what-is-it>.

**Human Rights Council
against the National Politics of States:
Some Remarks on the Case of North Korea**

Aramesh Shahbazi

Assistant Professor of International Law Allameh Tabataba'i University,
Email: arameshshahbazi@gmail.com

&

Samsam Avazpoor

LLM Student of International Law Tarbiat Modares University,
Email: samsamavazpoor@gmail.com

Abstract:

International community has recently faced with some modern forms of challenges between application of national politics and respect to evolving rules of international law. In this situation many states, especially in the context of international human rights law choose to escape from international obligation in order to advance their national policy. North Korea's human rights record is among the worst in the world and has been widely condemned globally, especially by Amnesty International, Human Rights Watch, the European Union and the United Nations. The recent declarations of the human rights council which clearly condemned the violation of human rights in North Korea and further repeated violations by this country could be proved the fact that still the human rights' values are as weak as being able to enforce the states to apply them.

Keywords: North Korea, Human rights Council, Human rights grave breach, National Politics, International Covenant on civil and Political Rights.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XV, No. 2

2016-2

- **The Commercial Custom Rules in International Trade, Interaction between CISG & Incoterms Rules**
Dr. Mahmood Bagheri – Soroush Rostamzad Asli – Naser Azizi
- **Systems of Regulation of Advertising Aimed at Children in Television**
Dr. Bagher Ansari – Manijeh Hashemian
- **Reflections on Dissolution of International Organizations**
Dr. Mansour Jabbari – Masoud Ahsannejad
- **European Union's Regulations on the Approximation of Nations and the Achievement of European Federalism**
Seyed Hossein Tabatabaei
- **Modern Criminology and Relationship between Crimes**
Dr. Alireza Milani – Mohammad Hajighasemi Ardebili
- **Protection of Children in Armed Conflicts in the Context of International Instruments**
Armin Talaat – Mohammad Ahangar Asil
- **Human Rights Council against the National Politics of States: Some Remarks on the Case of North Korea**
Aramesh Shahbazi – Samsam Avazpoor
- **Comparing between Limitations of Issuing Notarize Acts and Secure Electronic Documents**
Abbas Karimi – Amir Sepahi
- **The Inventive Step Requirement in Iranian Patent System**
Hamed Najafi – Mahsa Madani
- **Myanmar Crisis in the Mirror of the Human Rights Council**
Marziye Ghalandari
- **A Study of Incomplete Crimes in Iran Penal Law**
Alireza Rahmaninaimabadi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study